

برخی فرایندهای واجی در ۱۵ گونه‌ی زبانی استان کرمان

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا*

پریا رزم‌دیده**

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی برخی فرایندهای واجی مانند درج، انسدادی‌شدگی و سایشی‌شدگی در ۱۵ گونه‌ی زبانی استان کرمان از جمله بافت، بردسیر، بم، جیرفت، رابڑ، رفسنجان، رودبار جنوب، زرنند، سیرجان، شهربابک، کرمان، کهنوج، گلباف، گوغر و میمند بر اساس نظریه‌ی زایشی پرداخته‌است. برخی از نتایج حاصل عبارتند از: ۱- بعد از حذف همخوان سایش چاکنایی پایانی /h/ اگر واژه‌ی بعدی با واکه آغاز شود، یکی از غلت‌های [j] یا [w] درج می‌شود که نوع غلت در جایگاه میان دو واکه، به مشخصه‌های واکه‌ی افزوده شده یعنی واکه‌ی دوم بستگی دارد. ۲- در گونه‌های زبانی استان کرمان همخوان انسداد چاکنایی [ʔ] در ابتدای واژه برای ترمیم ساخت هجا درج می‌شود تا واژه با واکه شروع نشود. توزیع این همخوان در گونه‌های زبانی مذکور ناقص است، به طوری که در موضع میانی و پایانی واژه‌ها دیده نمی‌شود. ۳- در برخی از گونه‌های کرمانی همخوان پیوسته، ملازی و واک‌دار [P] جایگزین جفت انسدادی خود /G/ در فارسی معیار در پایان واژه یا هجا می‌شود، به طوری که نوعی فرایند سایشی‌شدگی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گونه‌های زبانی استان کرمان، واج‌شناسی زایشی، درج، انسدادی‌شدگی،

سایشی‌شدگی.

* دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.

Email: akord@modares.ac.ir

آ** * دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۴

۱. مقدمه

در این مقاله فرآیندهای درج*، انسدادی‌شدگی و سایشی‌شدگی در ۱۵ گونه‌ی زبانی استان کرمان از جمله بافت، بردسیر، بم، جیرفت، رابر، رفسنجان، رودبار جنوب، زرنند، سیرجان، شهربابک، کرمان، کهنوج، گلباف، گوغر و میمند بررسی می‌شود. با توجه به این‌که این ۱۵ گونه‌ی زبانی بر روی یک پیوستار زبانی قرار می‌گیرند و مشخص ساختن مرز میان آن‌ها دشوار است، طی این تحقیق از اصطلاح خستی و عام "گونه‌ی زبانی" برای آن‌ها استفاده می‌شود. در این مقاله سعی شده است از دیدگاه زبان‌شناختی و در حوزه‌ی واج‌شناسی زایشی به فرآیندهای مذکور در ۱۵ گونه‌ی زبانی کرمانی در تناوب با فارسی معیار پرداخته و به سؤالات ذیل پاسخ داده شود: ۱- از میان فرآیندهای مذکور در ۱۵ گونه‌ی کرمانی کدام‌یک از بسامد بیشتری برخوردار هستند؟ ۲- دامنه‌ی عملکرد فرآیندهای مذکور در گونه‌های زبانی استان کرمان در چه ساختی مشاهده می‌شود؟

۲. روش تحقیق

در جمع‌آوری داده‌های پیکره‌ی زبانی از منابع زیر بهره گرفته شده است: الف) اسناد مکتوب از قبیل کتاب (واژه‌نامه، دیوان شعر و ضرب‌المثل)، مقاله، پایان‌نامه و رساله‌هایی که تاکنون درباره‌ی ۱۵ گونه‌ی زبانی مذکور نوشته شده‌اند. ب) ثبت و ضبط گفتار گویشوران این گونه‌های زبانی. ج) شمّ زبانی یکی از نگارندگان به عنوان گویشور بومی گونه‌ی زبانی بافتی، به طوری که صحت داده‌های سایر گونه‌های زبانی را تایید می‌نماید. در جدول‌هایی که داده‌ها ارائه شده‌اند، صورت زیرساختی واژه‌هایی که در فارسی معیار معادل نداشته یا به‌کار نمی‌روند، جای آن‌ها در "صورت نوشتاری"

³.insertion

برخی فرایندهای واجی در ۱۵ گونه‌ی زبانی استان کرمان ۱۴۱

و "واج‌نویسی معیار" خط تیره قرار گرفته است. در برخی از جدول‌ها که دو یا سه گونه‌ی زبانی با هم ذکر شده‌اند، در صورت تفاوت تلفظ در میان آن‌ها، واژه‌ی متفاوت آن گونه‌ی زبانی درون پرانتز نوشته شده است. در این پژوهش سعی شده از گویشوران رده‌های سنی مختلف بخصوص بر گفتار افراد مسن تکیه شود سپس این گفتارها بر اساس الفبای آوانگاری بین‌المللی IPA آوانویسی شده‌اند.

از آنجایی‌که گونه‌های زبانی استان کرمان با فارسی معیار هم‌خانواده هستند، همگی در گروه زبان‌های ایرانی شاخه جنوب غربی قرار گرفته و لهجه‌ها یا گونه‌هایی از فارسی معیار به شمار می‌روند. از این‌رو گونه‌های زبانی کرمانی در مقایسه با فارسی معیار در تناوب قرار گرفته‌اند. بعد از تناوب‌ها، مرحله‌ی فرضیه‌سازی آغاز می‌شود، به گونه‌ای که دو فرضیه برای تعیین صورت زیرساختی مطرح می‌شود. در هر فرضیه یک-بار صورت موجود در گونه‌های زبانی کرمانی صورت زیرساختی است و با اعمال یک قاعده‌ی واجی صورت موجود در فارسی معیار تعیین می‌شود و در فرضیه‌ی دیگر صورت زیرساختی، صورت فارسی معیار است و صورت موجود در گونه‌های زبانی با اعمال یک قاعده‌ی واجی تولید می‌شود. در نهایت با رد یکی از فرضیه‌ها با استفاده از مثال نقض رد می‌شود و فرضیه درست به صورت قاعده واجی در چارچوب واج-شناسی زایشی بیان می‌شود.

۳. پیشینه‌ی تحقیق

در این‌جا به اختصار به معرفی مطالعاتی می‌پردازیم که درباره‌ی گونه‌های زبانی کرمانی تحقیق کرده‌اند.

- پرمون (۱۳۷۵): نگارنده سعی دارد به بررسی نظام آوایی گونه‌ی کرمانی در چارچوب دو نظریه‌ی غالب در آن دوره، یعنی واج‌شناسی زایشی چامسکی و

هله (۱۹۶۸، SPE) و جزء مستقل پردازد. این پژوهش، ضمن تلاش برای ارائه‌ی شواهدی از نظام آوایی یک نظام زبانی، در چارچوب نظریه‌های خطی (زایشی) و غیر خطی (پسا- زایشی) غالب در واج‌شناسی امروز، سعی در تبیین جنبه‌هایی از این نظام آوایی دارد.

- **سلطانی‌نژاد (۱۳۷۹):** نگارنده در این پایان‌نامه که متشکل از چهار فصل است، در فصل اول به بررسی آواشناختی و واج‌شناختی و در فصل دوم و سوم، به ترتیب به ساخت واژه و ساخت جمله‌ی دو گونه‌ی بافتی و جیرفتی می‌پردازد. در فصل چهارم که نتیجه‌گیری این پژوهش است، به عمده‌ترین تفاوت‌های میان این گونه‌ها پرداخته شده است.

- **کامبوزیا (۱۳۸۱):** نگارنده در این مقاله درصدد بررسی فرآیندهای واجی در استان کرمان است. در این پژوهش فرآیندهای واجی چهار گویش "کرمانی"، "زرنندی"، "بردسیری" و "سیرجانی" بررسی و مطالعه شده‌است. نتیجه‌ای که از بررسی فرآیندهای واجی مشترک در این چهار گویش به‌دست می‌آید، نشان می‌دهد که به طور کلی فرآیند "تضعیف" در این گویش‌ها بر فرآیند "تقویت" غالب است.

- **مطلبی (۱۳۸۵):** رودباری عنوان کلی برای گویش‌هایی است که در گرمسیرات استان کرمان- منطقه‌ی جنوب استان کرمان، شامل شهرستان‌های رودبار، کهنوج، منوجان، قلعه گنج، جیرفت و عنبرآباد، رایج است. در هر یک از شهرستان‌های این منطقه گونه‌ای از گویش رودباری متداول است. این گونه‌ها با یکدیگرتفاوت‌های آوایی- واژگانی و به ندرت صرفی و نحوی دارند. این پایان‌نامه به بررسی و توصیف زبان‌شناختی گونه‌ی رایج در شهرستان رودبار می‌پردازد.

برخی فرایندهای واجی در ۱۵ گونه‌ی زبانی استان کرمان ۱۴۳

- انجم‌شعاع (۱۳۸۱): نگارنده این مجموعه را که شامل تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات گویش کرمان است، با آوانگاری و ذکر منبع رایج همراه کرده است. در مواردی نیز تصویرهای مرتبط با واژه‌ها در کتاب درج شده است.

۴. فرایند درج

"درج مفهومی کلی است که یک عنصر ساختاری جدید را در یک زنجیره اضافه می‌کند، مثلاً درج تکواژ منفی یا درج ضمیر در جایگاه فاعل در جمله. اما در واج-شناسی یک عنصر واجی در یک واژه درج می‌شود که به آن "میان‌هشت" گفته می‌شود. در این فرآیند، یک همخوان بین دو واکه درج می‌شود تا از "التقای واکه‌ها" جلوگیری کند، یا یک واکه بین دو همخوان درج می‌شود تا خوشه‌ی همخوانی را بشکند. " (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۷۴). "فرآیند درج در بسیاری از زبان‌ها معمولاً جایی یافت می‌شود که در ساخت‌واژه‌ی یک زبان از قواعد واج‌آرایی آن تخطی شده و یک خوشه‌ی همخوانی یا خوشه‌ی واکه‌ای غیرمجاز به وجود آمده است. چنین صورت‌هایی قبل از این‌که به روساخت برسند با استفاده از فرآیند درج اصلاح می‌شوند: مانند واژه‌ی "پادگان" [pAdgA[n] که با درج واکه‌ی /e/ بین ستاک و پسوند به صورت [pAd-egAn] اصلاح می‌گردد." (کامبوزیا و هادیان، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

۴. ۱. درج غلت‌های j و w

درج غلت‌های j و w از معمول‌ترین نوع درج هستند که در بافت میان دو واکه برای سهولت تلفظ و همچنین ترمیم بافت و جلوگیری از التقاء واکه‌ها به کار می‌روند. در گونه‌های زبانی استان کرمان، همخوان‌های چاکنایی /h/ و /ʔ/ در جایگاه پایانی واژه یا پایانه‌ی هجا حذف شده و در برخی از واژه‌ها واکه‌ی قبل از آن‌ها کشیده می‌شود که

به این پدیده کشش جبرانی می‌گویند. در گونه‌های زبانی استان کرمان، گاهی پس از حذف همخوان‌های چاکنایی /h/ یا /ʔ/، غلت‌های j یا w در هنگام التقاء واکه‌ها درج می‌گردد.

جدول ۱- حذف همخوان‌های چاکنایی در جایگاه پایانه‌ی هجا یا پایان واژه

تلفظ	گونه- (ها) ی زبانی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
mã:n	بافتی، جیرفتی و کهنوجی	manð	منع
(ʔe:t≡bAr/ʔeŋt≡bAr) ʔe:t≡IIAr	بافتی جیرفتی	ʔetebAr	اعتبار
ʔewrA	بافتی	AbrAh	آبراه
mAlat	بردسیری	mohlat	مهلت
ta:je	بمی	tahijje	تهیه
qa:ve	رابری	gahve	قهوه
fe:lãn	رودباری	feʔlan	فعلاً
ma:ram	زرنندی	mahram	محرم
tu ba:r≡ čizi raftan	سیرجانی	dar bahre čizi raftan	در بحر چیزی رفتن*

fã:m	شهرابکی	fahm	فهم
ba:rA mderd	کرمانی و میمندی	bahrAmderd	بهرام‌جرد*
tahvAr > [ta:vAr]	گوغری		□ ₋
sabA / sAb	رودباری	sabAh	صبح
kutA	زرنده‌ی، کرمانی و میمندی	cutAh	کوتاه

داده‌های ارائه شده در جدول‌های شماره دو، سه و چهار در برخی از گونه‌های زبانی استان کرمان، که در فارسی معیار به همخوان چاکنایی ختم شده‌اند، در دو بافت پیش از سکوت و در بافت قبل از واکه بررسی می‌شوند. در گونه‌های زبانی مذکور وقتی وندهای [-i] "نسبت یا اسم ساز" و واکه [-o] به عنوان "واو عطف" در پایان ستاک‌هایی که به واکه ختم می‌شوند، قرار می‌گیرند، برای جلوگیری از التقای واکه، غلت‌های [j] یا [w] با توجه به مشخصه‌های واکه دوم در چنین بافتی درج می‌شوند.

جدول ۲- درج غلت‌های [j] و [w] در گونه‌ی بافتی

گونه‌ی بافتی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری با افزایش پسوند /o/	گونه‌ی بافتی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری با افزایش پسوند /i/
?Awon?le	?Ah-o	آه و (ناله)	?Aji	Ah-i	آهی

čAwogewd Al	čAh-o	چاه و (گودال)	čAji	čAh-i	چاهی
sAwoΣew	sobh-o	صبح و (شب)	Soji	sobh-i	صبحی
mAwoEorΣi d	mAh-o	ماه و (خورشید)	mAji	mAh-i	ماهی

جدول ۳- درج غلت‌های [j] و [w] در گونه‌های جیرفتی و کهنوجی

صورت نوشتاری با افزایش پسوند /i/	واچ‌نویسی معیار	گونه‌ی جیرفتی و کهنوجی	صورت نوشتاری با افزایش پسوند /o/	واچ‌نویسی معیار	گونه‌ی جیرفتی و کهنوجی
طالعی	tAle∂-i	tAleji	طالع و (تقدیر)	tAle∂-o	tAlewotacdir
مانعی	mAne∂- i	mAneji	مانع و (منع)	mAne∂- o	mAnewoma:n
انشائی	enΣA?- i	?enΣAji	انشاء و (املاء)	enΣa?- o	?enΣawo?emla

جدول ۴- درج غلت‌های [j] و [w] در گونه‌ی رودباری

صورت نوشتاری با افزایش پسوند	واچ‌نویسی معیار	گونه‌ی رودباری	صورت نوشتاری با افزایش پسوند	واچ‌نویسی معیار	گونه‌ی رودباری

برخی فرایندهای واجی در ۱۵ گونه‌ی زبانی استان کرمان ۱۴۷

		/o/			/i/
sabAwosAb	sabAh-o	صبح و (صبح)	sabAji	sabAh-i	صبحی
čArdawonim	τΣahArdah-o	چهارده و (نیم)	čArdaji	čahArдах-i	چهاردهی
besm≡lAwosal Am	besmell Ah-o	بسم الله و (سلام)	besm?l Aji	besmell Ah-i	بسم اللهی
mocewovaΞ	moGeδ-o	موقع و (وقت)	moceji	moqeδ	موقعی

جدول ۵- درج غلت [w] در گونه‌ی رودباری

گونه‌ی رودباری	واج نویسی معیار	صورت نوشتاری	گونه‌ی رودباری	واج نویسی معیار	صورت نوشتاری
hamiwon	hamin- hA	همین‌ها	pArčawon	pArče- hA	پارچه‌ها
ba:ziwon	baδzi-hA	بعضی‌ها	Ξonawon	ΞAne- hA	خانه‌ها
?Ančwon	An-hA	آن‌ها	mAwon	mA-hA	ماها
Σuwon	ΣoharAn	شوهران	ΣomAwon	ΣomA- hA	شماها
			ΞAluwon	dAji- hA	دایی‌ها

جدول شماره پنج نشان می‌دهد که در گونه‌ی رودباری، هنگام افزودن پسوند جمع *on* به واژه‌ی مفردی که به واکه ختم شده، در بافتِ التقای دو واکه در مرز دو تکواژ، غلت [w] که با واکه وند جمع در مشخصهٔ پسین مشترک است، بین دو واکه درج می‌گردد.

جدول ۶- درج غلت [w] در گونه‌ی زرنندی

گونه‌ی زرنندی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتار با افزایش پسوند /o/	گونه‌ی زرنندی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری با افزایش پسوند /i/
kAwokAdun	cAh-o	کاه و (کاهدان)	kAji	cAh-i	کاهی
bewoʔanAr	beh-o	به و (انار)	beji	beh-i	بهی
dewoΣa:r	deh-o	ده و شهر	deji	deh-i	دهی
kutAwoboland	cutAh-o	کوتاه و بلند	kutAji	cutAh-i	کوتاهی

جدول ۷- درج غلت [w] در گونه‌ی کرمانی

گونه‌ی کرمانی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری با افزایش پسوند /o/	گونه‌ی کرمانی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری با افزایش پسوند /i/
kolAwoΣAl	colAh-o	کلاه و	kolAji	colAh-i	کلاهی

		(شال)			
s(≡)pAwo?arteΣ	sepAh-o	سپاه و (ارتش)	s≡pAji	sepAh-i	سپاهی
sijAwos(≡)fid	sijAh-o	سیاه و (سفید)	sijAji	sijAh-i	سیاهی
gonAwotaΞsir	□onAh-o	گناه و (تقصیر)	gōnAji	□onAh-i	گناهی
mewo?abr	meh-o	مه و (ابر)	M≡ji	meh-i	مهی

جدول ۸- درج غلت [w] در گونه‌ی میمندی

گونه‌ی میمندی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری ی با افزایش پسوند /o/	گونه‌ی میمندی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری ی با افزایش پسوند /i/
ΣAwo□≡dA	ΣAh-o	شاه و (گدا)	ΣAji	ΣAh-i	شاهی
dAneΣc≡d≡wod AneΣgA	dAneΣ cade-o	دانشکده و (دانشگاه)	dA[neΣc? d≡ji	dA[neΣc ade-i	دانشکده ای
rAwobirA	rAh-o	راه و (بی- راه)	rAji	rAh-i	راهی

بررسی داده‌های جدول‌های ۲ الی ۸ بیان‌گر یک تناوب واجی میان [j]، [w] ~ [2] است. به منظور تعیین صورت زیرساختی، دو فرضیه در نظر گرفته می‌شود:

فرضیه‌ی اول: غلت‌های **j** و **w** در زیرساخت وجود ندارند و در بافت قبل از واکه هنگام التقای واکه‌ها درج می‌شوند.

فرضیه‌ی دوم: غلت‌های **j** و **w** صورت زیرساختی هستند و برای حذف آن‌ها از پایان واژه به قاعده‌ای نیاز است.

با توجه به جدول ۲، همخوان‌های چاکنایی که در زیرساخت این واژه‌ها قرار دارند، در جایگاه پایانی واژه گرایش شدیدی به حذف دارند. زمانی که واکه‌هایی نظیر /i/ یا /o/ به انتهای واژه بعد از حذف همخوان‌های چاکنایی افزوده می‌شود، بین دو واکه، غلت‌های **j** یا **w** درج می‌شود. در واقع، این غلت‌ها نقش همخوان میانجی را به منظور جلوگیری از التقای واکه‌ها ایفا می‌نمایند.

"در زبان فارسی، هم‌نشینی دو واکه معمولاً موجب می‌شود که یک همخوان میان آن‌ها ظاهر گردد. به این همخوان افزوده شده معمولاً "همخوان میانجی" گفته می‌شود. همخوان میانجی هیچ‌گونه نقش تمایزدهنده‌ی معنایی ندارد، بلکه به طور طبیعی تنها برای امکان فراگویی صورت‌های زبانی میان دو واکه‌ی پیاپی ظاهر می‌گردد." (مشکوه-الدینی، ۱۳۷۴: ۱۴۲).

در برخی از واژه‌های فوق، درج غلت‌های **j** و **w** در جایگاه میان دو واکه، به مشخصه‌های واکه‌ی افزوده شده بستگی دارد، مثلاً پسوند /i/ اگر به واژه‌ای مانند "راه" در گونه‌ی میمندی افزوده شود، از آن‌جا که این واکه دارای مشخصه‌ی پیشین است، غلت پیشین **j** نیز به آن افزوده می‌شود، اما اگر پسوند /o/ با مشخصه‌ی پسین به این واژه افزوده شود، غلت **w** با مشخصه‌ی نیز درج می‌شود در واقع انتخاب هر یک از این غلت‌ها در بافت میان دو واکه، بستگی به مشخصه‌های واکه‌ی افزوده شده دارد. قاعده‌ی ۱ بافت این درج را نشان می‌دهد:

قاعده‌ی ۱: درج غلت /j/ در التقای دو واکه

$$2 > j / V \longrightarrow +i$$

$$2 > \begin{bmatrix} + & \text{همخوانی} \\ + & \text{رسا} \\ + & \text{افراشته} \\ - & \text{پسین} \end{bmatrix} / \begin{bmatrix} - & \text{همخوانی} \\ + & \text{افراشته} \\ - & \text{پسین} \end{bmatrix} \longrightarrow + \text{همخوانی}$$

قاعده‌ی ۱ بیانگر درج غلت میانجی [j] میان دو واکه، قبل از افزودن واکه‌ی افراشته و پیشین /i/ به عنوان تکواژ "نسبت یا اسم ساز" است. در این قاعده، V نماد واکه، + نماد مرز تکواژ است.

قاعده‌ی ۲: درج غلت w

$$2 > w / V \longrightarrow +o$$

$$2 > \begin{bmatrix} + & \text{همخوانی} \\ + & \text{رسا} \\ + & \text{افراشته} \\ + & \text{پسین} \end{bmatrix} / \begin{bmatrix} - & \text{همخوانی} \\ - & \text{افراشته} \\ - & \text{افتاده} \\ + & \text{پسین} \end{bmatrix} \longrightarrow + \text{همخوانی}$$

بیانگر درج غلت میانجی [w] میان دو واکه قبل از افزودن واکه‌ی افراشته و پسین /o/ به عنوان تکواژ "واو عطف" است. در این قاعده، V نماد واکه، + نماد مرز تکواژ است.

۲.۴. درج انسداد چاکنایی؟ در جایگاه آغازهی هجا یا واژه قبل از واکه

جدول ۹- درج انسداد چاکنایی؟ در آغازهی هجا یا قبل از واکه در ابتدای واژه

تلفظ	گونه(ها)ی زبانی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
?eΣmArđān* (?eΣmArđēn)	بافتی، جیرفتی	Σemordan	شمردن
?estAle [†]	بردسیری، رابری و میمندی	setAre	ستاره
?eΣcāmmōni	میمندی	Σecami	شکمی
(?espidAr) ?espidAl	بردسیری، کرمانی و گلباف (زرندی)	sepidAr	سپیدار
(?eΣto) ?eΣtow	بردسیری، بمی، زرندی و میمندی (سیرجانی)	ΣetAb	شتاب
?espit (?espid)	جیرفتی و کهنوجی (رابری)	sefid	سفید
(?eΣcas) ?eΣcast	اغلب گونه‌های کرمانی (جیرفتی)	Σecast	شکست
?eΣcā(n)be (?eΣcāmmē)	کرمانی [□] و گلباف (گوغری)	Σecanbe	شکنبه
?eΣnAĒtān	بافتی، جیرفتی، زرندی و سیرجانی	ΣenAĒt	شناختن

۱. واژه‌ی "شمردن" در گونه‌های بردسیری و کرمانی به ترتیب به صورت [?eΣmorda?n] و [?eΣmArđā?n] است.

۲. واژه‌ی "ستاره" در گونه‌ی جیرفتی [?estAl]، در گونه‌ی زرندی [?e:sAle] و در گونه‌ی گوغر [?essAle] است.

۱. در واژه‌ی شکنبه در گونه‌ی کرمانی همخوان /n/ حذف می‌گردد.

?eʒpeʒ	اغلب گونه‌های کرمانی	ʒepeʒ	شپش
?eʒkAftā	کرمانی	ʒecAftan	شکافتن
?eʒkoftān	گوغری	ʒecoftan	شکفتن
?eʒpordān	میمندی	sepordan	سپردن*
?oʒtor (?eʒter)	بمی، رفسنجانی، زرنندی، سیرجانی، شهرباکی، کرمانی و میمندی (جیرفتی)	ʒotor	شتر

واژه‌های "ستاره"، "شکم"، "سپیدار"، "شکستن"، "شناختن"، "شپش"، "شکافتن"، "شکفتن"، و "سپردن" در فرهنگ کوچک زبان پهلوی (نیل مکنزی، ۱۳۷۹) به ترتیب به صورت [sta|rag]، [aʒcamba]، [spe|d- da| r]، [ʒcastan]، [ʒna|ʒtan]، [spiʒ]، [ʒca|ftan]، [ʒkuftan] و [o|spurdan] مشاهده می‌شوند. از این‌رو، می‌توان گفت بسیاری از واژه‌های جدول ۹ در دوره‌ی میانه دارای خوشه‌ی آغازی در ابتدای واژه بوده‌اند که در تحول از دوره‌ی باستان و میانه به دوره‌ی جدید، این خوشه‌ها با استفاده از فرآیند درج در بین دو عضو خوشه (مانند فارسی معیار) یا در ابتدای خوشه (مانند گونه‌های کرمانی) از بین رفته‌اند. وجود واکه‌ی آغازی موجب درج همخوان انسداد چاکنایی در ابتدای واژه شده است. در این واژه‌ها، از صورت پهلوی به فارسی معیار و صورت‌های موجود در گونه‌های کرمانی، به این مراحل تغییرات می‌توان اشاره کرد:

۲. پایمال کردن (نیل مکنزی، ۱۳۷۹)، اما در گونه‌ی میمندی به معنی "مردن" به‌کار می‌رود.
 ۳. در میان واژه‌های جدول ۹ واژه‌های "شتر" و "شمردن" در دوره‌ی پهلوی (میانه) به‌صورت [uʒtor] و [oʒmordan] مشاهده می‌شوند (نیل مکنزی، ۱۳۷۹).

الف) صورت پهلوی واژه‌های جدول دارای خوشه‌ی دو همخوانی است.

ب) در صورت فارسی معیار درج واکه‌ی میانی در بین دو عضو خوشه‌ی آغازی اتفاق افتاده است.

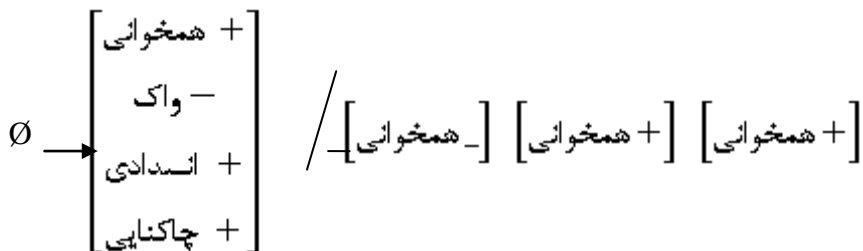
ج) در گونه‌های کرمانی درج آغازی مشاهده می‌شود، یعنی قبل از خوشه‌ی دو همخوانی آغازی یک واکه درج شده است و چون واژه با واکه شروع می‌شود، در ابتدای آن یک انسداد چاکنایی نیز درج می‌شود.

کامبوزیا (۱۳۸۵: ۲۸۱) می‌نویسد: "درج همخوان انسداد چاکنایی در ابتدای کلماتی که با واکه آغاز می‌شوند، به دلیل ویژگی خاص هجای زبان فارسی است. هر هجای زبان فارسی ضرورتاً دارای آغاز است که یک عنصر همخوانی در این جایگاه قرار می‌گیرد. در صورتی که تکواژ یا کلمه‌ای در زبان فارسی با واکه آغاز شود، این جایگاه آغازی تهی با یک انسداد چاکنایی پر می‌شود." در فرایند ساخت کلمات مرکب، می‌توان گفت در صورتی که درج همخوان انسداد چاکنایی نیاز نیست که تکواژ اول به همخوان و دومین تکواژ به واکه ختم شده باشد، زیرا همخوان پایانی ستاک یا تکواژ اول در محل آغازی تکواژ دوم قرار می‌گیرد و در صورتی که درج همخوان انسداد چاکنایی است که تکواژ اول به واکه ختم شده باشد و در جایگاه آغازی تکواژ دوم یا واکه باشد یا همخوان /ع/.

قاعده‌ی درج همخوان انسداد چاکنایی /?/ بدین صورت است:

قاعده‌ی ۳: درج همخوان /?/

$\emptyset \longrightarrow ? / \text{--- VCC}$



قاعده‌ی ۳ بیان‌گر درج همخوان انسداد چاکناپی در ابتدای واژه‌هایی است که قبل از خوشه‌ی همخوانی واکه حضور دارد.

۵- انسدادی‌شدگی

"انسدادی نوعی همخوان است که دارای بست کامل در مجرای تولید می‌باشد. به عبارت دیگر، انسدادی اصطلاحی است مورد استفاده در طبقه‌بندی آواها بر اساس نحوه‌ی تولید آن‌ها، یعنی هرگاه بست کاملی در دستگاه گفتار در تولید آوایی ایجاد شود آن آوا انسدادی است، مانند /b/ و /p/. همخوان‌های سایشی را آواهایی می‌گویند که در مجرای تولید آن‌ها بست کاملی وجود ندارد و یا این‌که فضای کافی برای عبور جریان هوا وجود داشته باشد اما اندام‌های گفتاری چنان به هم نزدیک شوند که در هنگام عبور هوا سایش ایجاد شود. از این‌رو، به فرآیندی که در آن همخوان‌های سایشی به انسدادی تبدیل می‌شوند، انسدادی‌شدگی گفته می‌شود." (کریستال*، ۱۹۹۲: ۳۶۹، کار^۱، ۱۹۹۹: ۱۱۸، کریستال، ۲۰۰۳: ۱۸۹، کریستال، ۲۰۰۳: ۴۳۴-۴۳۳).

در میان گونه‌های زبانی استان کرمان تبدیل همخوان‌های سایشی به انسدادی در جایگاه آغازهی هجا، واژه و در پایان واژه مشاهده می‌شود.

^۱. Crystal
^۲. Carr

۱.۲.۳. تبدیل همخوان پیوسته و لبی /f/ یا /v/ به جفت انسدادی خود [p] یا [b] در آغازهی هجا یا ابتدای واژه

جدول ۱۰- تبدیل همخوان /f/ به همخوان‌های [p] در آغازهی هجا یا واژه

تلفظ	گونه(های) زبانی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
palite	جیرفتی و کهنوجی	Fetile	فتیله
guspan*	بافتی، بردسیری، جیرفتی و کهنوجی	□usfand	گوسفند
?espit	جیرفتی و کهنوجی	Sefid	سفید
p≡tir	جیرفتی و کهنوجی	Fatir	فتیر
?espan	جیرفتی، رودباری و کهنوجی	Esfand	اسفند
?espanijAr	جیرفتی و کهنوجی	esfandijAr	اسفندیار
pelpel	جیرفتی، رودباری و کهنوجی	Fefel	فلفل
?ApiΣan	بردسیری و کرمانی	AviΣan	آویشن
bAfur	بردسیری، بمی، رابری، رفسنجانی، زرندی، سیرجانی، شهربابکی، کرمانی، گلباف، گوغری و میمندی	vAfur	وافور

واژه‌ی "اسفندیار" در گونه‌ی بافتی به صورت [?espanijAr] است.

۱. در واژه‌ی "گوسفند" /d/ پایانی از گروه دو همخوانی /-nd/ در گونه‌های بافتی، بردسیری، جیرفتی و کهنوجی حذف می‌شود.

با توجه به جدول ۱۰، همخوان‌های پیوسته‌ی /f/ و /v/ در برخی داده‌ها در آغازهی هجا یا ابتدای واژه به همخوان انسدادی متناظر خود یعنی [p] یا [b] تبدیل می‌شود. از این‌رو می‌توان یک تناوب واجی را میان [f] و [v] ~ [p] و [b] در نظر گرفت. برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه در نظر گرفته می‌شود:

فرضیه‌ی اول: واژه‌های موجود در فارسی معیار صورت زیرساختی هستند و همخوان‌های پیوسته‌ی /f/ و /v/ در جایگاه ابتدایی کلمه یا آغازهی هجا به همخوان-های انسدادی [p] یا [b] تبدیل می‌شود.

فرضیه‌ی دوم: واژه‌های موجود در گونه‌های زبانی استان کرمان صورت زیرساختی هستند و همخوان‌های انسدادی /p/ یا /b/ در جایگاه ابتدایی کلمه یا آغازهی هجا به همخوان‌های پیوسته‌ی [f] یا [v] تبدیل می‌شود.

با توجه به داده‌های بالا، تناوب واجی در جایگاه آغازهی هجا یا ابتدای واژه دیده می‌شود. بر اساس معیار "پذیرفتگی آوایی"، این جایگاه‌ها جایگاه تقویت هستند و تبدیل همخوان‌های پیوسته به انسدادی نوعی تقویت به‌شمار می‌رود. علاوه براین، بر اساس معیار "طبیعی بودن" نیز، فرآیند تقویت در موضع آغازی فرآیندی رایج است. ازاین‌رو، فرضیه‌ی اول پذیرفته می‌شود، یعنی همخوان سایشی /f/ صورت زیرساختی است و در جایگاه آغازهی هجا یا آغازهی واژه به جفت انسدادی خود یعنی [p] تبدیل می‌شود و قاعده‌ی این فرآیند به‌صورت زیر نشان داده می‌شود:

قاعده‌ی ۴:

$$f > p / \begin{cases} \$ - V \\ \# - V \end{cases}$$

$$\left[\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ + \text{پیوسته} \\ + \text{لیبی} \\ - \text{واک} \end{array} \right] > \left[\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ - \text{پیوسته} \end{array} \right] / \left\{ \begin{array}{l} \$ - [\text{همخوانی}_-] \\ \# - [\text{همخوانی}_-] \end{array} \right.$$

قاعده‌ی ۴ بیان‌گر تبدیل همخوان پیوسته و ملازی /f/ در جایگاه آغازی هجا و یا در جایگاه آغازی واژه به همخوان انسدادی هم محل تولید خود یعنی [p] است. در این قاعده، \$ نماد مرز هجا، # نماد مرز واژه و V نماد واکه است.

قاعده‌ی ۵:

$$v > p / b / \left\{ \begin{array}{l} \$ - V \\ \# - V \end{array} \right.$$

$$\left[\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ + \text{پیوسته} \\ + \text{لیبی} \\ \alpha \text{ واک} \end{array} \right] > \left[\begin{array}{c} + \text{همخوانی} \\ - \text{پیوسته} \end{array} \right] / \left\{ \begin{array}{l} \$ - [\text{همخوانی}_-] \\ \# - [\text{همخوانی}_-] \end{array} \right.$$

قاعده‌ی ۵ بیان‌گر تبدیل همخوان پیوسته و واک‌دار v به همخوان‌های انسدادی [p] و [b] در جایگاه‌های آغازی هجا یا ابتدای واژه است.

۶. تبدیل همخوان انسدادی، ملازی و واک‌دار /G/ به جفت سایشی [P] در جایگاه پایان واژه یا هجا

جدول ۱۱- تبدیل همخوان انسدادی G به همخوان سایشی P

تلفظ	گونه(ها)ی زبانی	واج‌نویسی معیار	صورت نوشتاری
?oδAP	اغلب گونه‌های زبانی	oδAG	اجاق
j≡rAP	رابری	jarAG	یراق
qAΣoP	اغلب گونه‌های زبانی	GAΣoG	قاشق
cAtoP	جیرفتی و کهنوجی	GAtoG	قاتق
tʃAP	گوغری	čAG	چاق
m≡PrAz	رابری و گوغری	meGrAz	مقراض [= قیچی]
δaPraw	رابری	δaGrab	عقرب
loPme	زرنندی و گوغری	loGme	لقمه
naPdã	زرنندی	naGdan	نقداً [= فعلاً]
naPd	گوغری	naGd	نقد
δaPl	گوغری	δaGl	عقل
δaPd	گوغری	δaGd	عقد
?APA	اغلب گونه‌های زبانی	AGA	آقا
Puri	اغلب گونه‌های زبانی	Guri	قوری
Puč	اغلب گونه‌های زبانی	Guč	قوچ
Pure	رودباری	Gure	غوره

Perti	زندی	Gerti	قرتی*
-------	------	-------	-------

با توجه به جدول ۱۱، یک تناوب واجی میان [G] ~ [P] در نظر گرفته می‌شود. برای تعیین صورت زیرساختی، دو فرضیه مطرح می‌گردد:

فرضیه‌ی اول: همخوان انسدادی و واک‌دار /G/ صورت زیرساختی است و برای تبدیل آن به همخوان پیوسته و واک‌دار [P] در جایگاه پایانه‌ی هجا، پایان واژه و در ابتدای واژه به قاعده‌ای نیاز است.

فرضیه‌ی دوم: صورت‌های موجود در گونه‌های کرمانی صورت زیرساختی هستند و برای تبدیل به همخوان انسدادی و واک‌دار [G] در جایگاه پایانه‌ی هجا، پایان واژه و در ابتدای واژه قاعده‌ای نیاز است.

در تعیین صورت زیر ساختی می‌توان گفت، اغلب واژه‌های جدول ۱۱، واژگان قرضی از زبان‌های ترکی و عربی هستند که به همان صورت وارد زبان فارسی شده‌اند. از آنجایی که در فارسی معیار، همخوان ملازی، سایشی و واک‌دار [P] به عنوان واج تمایز دهنده وجود ندارد، همه‌ی آن‌ها با انسدادی ملازی و واک‌دار /G/ تلفظ می‌شوند، اما در گونه‌های کرمانی همخوان انسدادی /G/ به صورت سایشی، ملازی و واک‌دار [P] در محیط پس از واکه، پایان هجا و پایان واژه تلفظ می‌شود. از این‌رو، فرضیه‌ی دوم رد می‌شود و صورت‌های زیرساختی همان صورت‌های موجود در گونه‌های فارسی معیار هستند. در داده‌های جدول ۱۱، تغییر واجی اغلب در جایگاه‌های پایانه‌ی هجا، پایان واژه اتفاق افتاده است که این جایگاه‌ها مربوط به فرآیند تضعیف هستند و تنها در تعداد معدودی واژه تناوب مورد نظر در ابتدای واژه مشاهده می‌شود. قاعده‌ی این فرآیند به صورت زیر است:

قاعده‌ی ۶:

$$G > P / \left\{ \begin{array}{l} \mathbf{v} - \left\{ \begin{array}{l} \$ \\ \# \\ \mathbf{v} \end{array} \right. \\ \# - \end{array} \right.$$

قاعده‌ی ۶ بیانگر تبدیل همخوان انسدادی، ملازی و واک‌دار /G/ به جفت سایشی و واک‌دار خود [P] در محیط بعد از واکه در پایانه‌ی هجا، پایان واژه و در برخی موارد در آغاز هجا است.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌ها و تحلیل‌های موجود، می‌توان گفت فرآیند درج نسبت به فرآیند انسدادی‌شدگی در گونه‌های زبانی استان کرمان از بسامد بیشتری برخوردار است؛ از جمله درج همخوان انسداد چاکنایی [ʔ] در ابتدای واژه و درج غلت‌های /j/ و /w/ در میان دو واکه. دامنه‌ی عملکرد فرآیند درج در جایگاه‌های میان دو واکه و ابتدای واژه است. جایگاه ابتدای واژه یا آغاز هجا از مهمترین جایگاه‌های تقویت محسوب می‌شود. بعد از حذف همخوان چاکنایی پایانی /h/، اگر واژه‌ی بعدی با واکه آغاز شود، غلت‌های j یا w درج می‌شوند. علاوه بر این، درج غلت‌های مذکور در جایگاه میان دو واکه، به مشخصه‌های واکه‌ی افزوده شده بستگی دارد. اگر واکه‌ی افزوده شده واکه‌ی پیشین /i/ باشد، غلت j درج می‌شود و برای واکه‌ی پسین /o/ غلت w درج می‌گردد. در گونه‌های زبانی استان کرمان همخوان انسداد چاکنای /ʔ/ در ابتدای واژه درج می‌شود و توزیع این همخوان در گونه‌های زبانی مذکور ناقص است و برای جلوگیری از التقای واکه درج می‌شود. در برخی از گونه‌های زبانی کرمانی همخوان‌های پیوسته‌ی /f/ و /v/ در آغاز هجا یا ابتدای واژه به همخوان انسدادی متناظر خود یعنی [p] یا [b] تبدیل می‌شود. در برخی از گونه‌های زبانی کرمانی همخوان انسدادی، ملازی و

واک‌دار / G/ به جفت سایشی خود [P] در جایگاه پایانه‌ی هجا، پایان تبدیل می‌شود. علاوه بر این با توجه به داده‌های ارائه شده در میان ۱۵ گونه‌ی مورد بررسی، گونه‌های جیرفتی، رودباری و کهنوجی نسبت به سایر گونه‌ها به یکدیگر نزدیک‌ترند.

۸. کتاب‌نامه

آئینه‌نگینی؛ ولی‌الله. (۱۳۸۲) نگین سبز کرمان (فرهنگ گویش رابر بافت). کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

ابراهیمی؛ کبری. (۱۳۸۶) میمند شاهکار جاودان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

اسدی‌گوکی؛ محمدجواد. (۱۳۷۹) فرهنگ عامیانه‌ی گلباف. کرمان: مرکز کرمان-شناسی.

انجم‌شعاع؛ محمد. (۱۳۸۱) رایج‌ترین اصطلاحات و گویش‌های کرمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

برومندسعید؛ جواد. (۱۳۷۰) واژه‌نامه‌ی گویش بردسیر. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

پرمون؛ یدالله. (۱۳۷۵) نظام آوایی گونه‌ی کرمانی از دیدگاه واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی جزءمستقل. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.

حسینی‌موسی؛ زهرا. (۱۳۸۷) ضرب‌المثل‌های شهر بابک. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

سلطانی‌نژاد؛ فرشته. (۱۳۷۹) مقایسه‌ی گونه‌های زبانی بافتی و جیرفتی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

علویان؛ علی. (۱۳۸۸) مجموعه‌ی طنز نسیم جنوب. یزد: انتشارات اندیشمندان یزد.

کامبوزیا؛ عالیه. ک. ز. (۱۳۸۱) فرایندهای واجی مشترک در گویش‌های استان کرمان. نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر، شماره‌ی دوازدهم (پیاپی ۹)؛ ۱۳۰-۱۱۱.

برخی فرایندهای واجی در ۱۵ گونه‌ی زبانی استان کرمان ۱۶۳

- (۱۳۸۵) *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: انتشارات سمت.
- و هادیان؛ بهرام. (۱۳۸۸) *طبقات طبیعی در واکلهای زبان فارسی*. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره‌ی پانزدهم. ۱۴۳-۱۱۷.
- مطلبی؛ محمد. (۱۳۸۵) *بررسی گویش رودباری (کرمان)*، رساله‌ی دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معین؛ محمد. (۱۳۶۴) *فرهنگ فارسی (متوسط)*. تهران: انتشارات سپهر.
- مؤیدمحسنی؛ مه‌ری. (۱۳۸۱) *گویش مردم سیرجان (مجموعه‌ی لغات و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها)*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- نقوی؛ اکبر. (۱۳۸۶) *فرهنگ گویش گوغر*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- نیک‌نفس دهقانی؛ اسلام. (۱۳۷۷) *بررسی گویش جیرفت و کهنوج*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

Baerquest ؛D. A (2001) *phonological Analysis: A Functional approach*. Texas: SIL International.

Carr ؛Philip. (1999) *English Phonetic & Phonology*. Blackwell.

Crystal ؛David. (1992) *An Encyclopedic Dictionary of Language & Languages*. Blackwell.

..... (2003) *A Dictionary of Linguistics And Phonetics*. Blackwell.

Harris J. & Lindsey ؛G (1995) *The elements of phonological representation*, in Hayes ؛B (2009) *Introduction Phonology*. London: Wiley- Blackwell.

Hyman ؛L. M (1975) *Phonology: Theory and Analysis*. USA. Holt: Rinehart & Winston Inc.

Kenstowicz Michael. (1994) *Phonology in Generative Grammer*. USA: Blackwell Publishers.